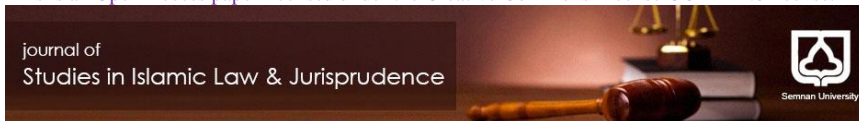


Islamic Law and Jurisprudence Studies
Volume 15, Consecutive Number 31, Summer 2023
Issn:2717-0330

Journal Homepage: <https://feqh.semnan.ac.ir/>

This is an Open Access paper licensed under the Creative Commons License CC-BY 4.0 license.



Stages and quality of people's control over the government in the form of enjoining the good and forbidding the evil

Rezvani Mofrad.Ahmad^{1*}- Jafari Harandi.Mahdi²

1: Assistant professor of jurisprudence and fundamentals of Islamic law, Bu-Ali Sina University, Hamadan, Iran: Corresponding Author (rezvanimofrad@yahoo.com)

2: Ph.D. student, Assistant professor of jurisprudence and fundamentals of Islamic law, Bu-Ali Sina University, Hamadan, Iran.

One of the most important Islamic duties that has been strongly emphasized in narrated sources is the duty of "commanding the good and forbidding the evil." The eighth principle of the constitution has three levels for this social responsibility: commanding the good of the people by the people, commanding the good of the people by the government, and commanding the good of the government by the people. In jurisprudential texts, only the first level has been addressed and the importance of other levels and the quality of their implementation have been neglected. Since the third level of enjoining the good and forbidding evil is more important and is more sensitive than the other two levels and no research has been done on the quality of its implementation, this research was conducted to fill this scientific and research gap. In this research, with a descriptive-analytical method, we have reached the conclusion that in order to achieve the third level of enjoining the good and forbidding the evil, it is necessary to implement four steps. Those four steps are in order of priority: 1- Advice and benevolence 2- Criticism and protest 3 - Reporting and disclosure 4 - Coercive action through legal channels and avoiding disturbing public order and security.

Keywords: Enjoining the good, forbidding the evil, public oversight, invitation to the good.

- A. Rezvani Mofrad- M. Kafari Harandi (2023). Stages and quality of people's control over the government in the form of enjoining the good and forbidding the evil, *Islamic Law and Jurisprudence Studies*, 15(31), 57-76.
Doi: [10.22075/feqh.2021.22746.2780](https://doi.org/10.22075/feqh.2021.22746.2780)



فصلنامه مطالعات فقه و حقوق اسلامی

سال ۱۵- شماره ۳۱- تابستان ۱۴۰۲

صفحات ۵۷-۷۶ (علمی- پژوهشی)

تاریخ: وصول ۱۳۹۹/۱۲/۰۶- بازنگری ۱۴۰۰/۰۲/۰۱- پذیرش: ۱۴۰۰/۰۲/۰۸

مراحل و کیفیت نظارت مردم بر حاکمیت در قالب امر به معروف و نهی از منکر

احمد رضوانی مفرد* / مهدی جعفری هرنندی ۲

۱: استادیار فقه و مبانی حقوق اسلامی، دانشگاه بوعلی سینا، همدان، ایران (نویسنده مسئول)

rezvanimofrad@yahoo.com

۲: دانشجوی دکتری فقه و مبانی حقوق اسلامی، دانشگاه بوعلی سینا، همدان، ایران.

چکیده

یکی از مهم ترین واجبات اسلامی که به شدت در منابع نقلی مورد تأکید قرار گرفته است فریضه «امر به معروف و نهی از منکر» است. اصل هشتم قانون اساسی برای این مسؤولیت اجتماعی سه سطح ترسیم کرده است: امر به معروف مردم توسط مردم، امر به معروف مردم توسط دولت، امر به معروف دولت توسط مردم. در متون فقهی صرفاً به سطح نخست پرداخته شده و از تبیین اهمیت سطوح دیگر و کیفیت اجرایی کردن آنها غفلت شده است. از آنجا که سطح سوم امر به معروف و نهی از منکر از اهمیت و حساسیت بالاتری نسبت به دو سطح دیگر برخوردار است و هیچ پژوهشی در راستای کیفیت اجرایی کردن آن انجام نشده است، لذا این پژوهش به منظور پر کردن این خلأ علمی و پژوهشی انجام شده است. در این تحقیق با روشی توصیفی-تحلیلی به این نتیجه دست یافته‌ام که در راستای تحقق سطح سوم امر به معروف و نهی از منکر، اجرای چهار مرحله ضروری است؛ آن چهار مرحله به ترتیب اولویت عبارتند از: ۱- نصیحت و خیرخواهی؛ ۲- انتقاد و اعتراض؛ ۳- گزارش دهی و افشاکاری؛ ۴- برخورد قهری از مجاری قانونی و پرهیز از اخلال در نظم و امنیت عمومی.

کلیدواژه: امر به معروف، نهی از منکر، نظارت همگانی، دعوت به خیر.

- رضوانی مفرد، احمد؛ جعفری هرنندی، مهدی (۱۴۰۲). مراحل و کیفیت نظارت مردم بر حاکمیت در قالب امر به معروف و نهی از منکر. *مجله مطالعات فقه و حقوق اسلامی دانشگاه سمنان*، شماره ۳۱، صفحات ۵۷-۷۶.

Doi: [10.22075/feqh.2021.22746.2780](https://doi.org/10.22075/feqh.2021.22746.2780)

۱- مقدمه

مسأله «امر به معروف و نهی از منکر» جایگاه بسیار ممتازی در میان واجبات دین مبین اسلام و نیز سایر ادیان الهی دارد (کلینی، ۱۳۶۵: ۵۶/۵)؛ قرآن کریم در آیات فراوانی به این وظیفه مهم تصریح کرده است (آل عمران: ۱۰۴، ۱۱۰، ۱۱۴؛ اعراف: ۹۹؛ توبه: ۶۷، ۷۱، ۱۱۲؛ لقمان: ۱۷؛ حج: ۴۱؛ نحل: ۱۲۵؛ عصر: ۳) تا جایی که می‌توان گفت کمتر موضوعی به این اندازه مورد تأکید قرآن قرار گرفته است. در سنت نیز روایات بیشماری بر وجوب «امر به معروف و نهی از منکر» دلالت داشته و توصیفات شگرفی درباره آن از ناحیه معصومین (ع) صادر شده است (رک: حرّ عاملی، ۱۴۰۹: ۱۱۵/۱۶ به بعد؛ مجلسی، ۱۴۰۴: ۶۸/۹۷ به بعد)؛ به عنوان نمونه، امیرالمؤمنین (ع) تمام کارهای نیکو و جهاد در راه خدا را در مقایسه با امر به معروف و نهی از منکر چونان قطره ای در دریایی پهناور توصیف می‌کند (نهج البلاغه، حکمت ۳۷۴). این میزان تأکید صریح بر این موضوع، سبب شده تا فقها آن را در زمره «ضروریات دین» قلمداد کرده و انکار آن را مساوی با خروج از دین بدانند (خمینی، بی تا: ۴۶۲/۱). صرف‌نظر از تأکید های فراوانی که در منابع نقلی بر این مسأله شده است، عقل نیز به روشنی بر لزوم و نیز میزان اهمیت بالای این مسأله تأکید داشته و می‌توان گفت که ضرورت «امر به معروف و نهی از منکر»، امری جهان شمول و بین‌الذہانی بوده و تمام عقلای عالم، فارغ از دین، آئین و فرهنگشان، بر ضرورت تقید به آن انگشت تأیید می‌نهند.

به تبعیت از موضع شریعت اسلام در قبال مسأله امر به معروف و نهی از منکر، قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران نیز در اصل هشتم اعلام کرده است: «در جمهوری اسلامی ایران دعوت به خیر، امر به معروف و نهی از منکر وظیفه‌ای است همگانی و متقابل بر عهده مردم نسبت به یکدیگر، دولت نسبت به مردم و مردم نسبت به دولت. شرایط و حدود و کیفیت آن را قانون معین می‌کند؛ و المؤمنون و المؤمنات بعضهم اولیاء بعض یا مرون بالمعروف و ینهون عن المنکر»؛ بر این اساس، مسؤولیت اجتماعی «نظارت همگانی» در قالب امر به معروف و نهی از منکر با هدف پیشگیری و مبارزه با

فساد، تخلف و رفتارهای ناپه‌نجانار، برای همه افراد و طبقات جامعه به ویژه حاکمیت و دولتمردان آن (از صدر تا ذیل) از همان روزهای آغازین شکل‌گیری انقلاب اسلامی مورد تأکید جدی نظام جمهوری اسلامی ایران بوده است. این مسؤولیت اجتماعی را اصل هشتم قانون اساسی در سه سطح اعلام کرده است: «نظارت مردم بر مردم»، «نظارت دولت بر مردم» و سرانجام «نظارت مردم بر دولت». اما باید توجه داشت که واژه «دولت» در اصل یاد شده، دارای دو معنای عام و خاص است: مراد از «دولت» به معنای خاص آن همان قوه اجرایی کشور و مراد از معنای عامش همه قوای سه‌گانه و سایر ارکان حکومت بدون هیچگونه استثنایی است. آن چه در این اصل از واژه «دولت» باید فهم کرد معنای عام آن است؛ زیرا هر شخصی (حقیقی و حقوقی) که فاقد عصمت باشد از ارتکاب خطا مصون نبوده و همین امر لزوم امر به معروف و نهی از منکر درباره وی را توجیه می‌کند؛ ضمن این که قید کلمه «همگانی» در اصل مورد بحث و نیز جاری کردن «أصالة العموم» درباره مراد قانونگذار از واژه «دولت»، مؤید این برداشت است. رهبر معظم انقلاب اسلامی نیز در اینباره می‌گویند: «من عرض می‌کنم، هیچ کس فوق نظارت نیست، خود رهبری هم فوق نظارت نیست؛ چه برسد به دستگاه‌های مرتبط با رهبری؛ بنابراین همه باید نظارت شوند. نظارت بر کسانی که حکومت می‌کنند، چون حکومت به طور طبیعی به معنای تجمع قدرت و ثروت است؛ یعنی اموال بیت المال و اقتدار اجتماعی و اقتدار سیاسی در دست بخشی از حکام است، برای این که امانت به خرج دهند و سوء استفاده نکنند و نفسشان طغیان نکنند، یک کار لازم و واجب است و باید هم باشد» (دانشگاه صنعتی امیرکبیر: ۱۳۷۹/۱۲/۹).

به طور حتم، اجرای این تکلیف شرعی و مسؤولیت اجتماعی همچون سایر تکالیف دارای حدود، ثغور و الزاماتی است که جهت برحذر بودن تبعات منفی مانند: تهمت‌زنی، هرج و مرج، عدم تأثیرگذاری، لوٹ شدن این وظیفه و ... لازم است با در نظر داشتن این که «حکومت اسلامی با توجه به مصالح فردی، اجتماعی، ضروری و استسحانی می‌تواند نسبت به احکام حکومتی و جعل قوانین دست به تقیین بزند» (فتاحی، ۱۳۹۲: ۱۰۴)

کیفیت هرگونه اقدامی در این زمینه متکی به مبانی عقلی، قانونی و اخلاقی آن باشد. بر همین اساس، ذیل اصل هشتم مقرر شده است: «... شرایط و حدود و کیفیت آن را قانون معین می کند...»، یعنی بر پایه این اصل، قوه مقننه مسؤولیت پیدا کرده است که به منظور روشن ساختن شرایط، حدود و ثغور انجام مسؤولیت «نظارت همگانی» در قالب «امر به معروف و نهی از منکر»، مقرراتی را وضع و ابلاغ نماید. فقهای عظام نیز با وجود عنایت خاصی که به مسأله «امر به معروف و نهی از منکر» داشته اند صرفاً به بیان کیفیت انجام امر به معروف و نهی از منکر توسط مردم نسبت به یکدیگر (سطح نخست امر به معروف و نهی از منکر) پرداخته و از دو سطح دیگر، یعنی بیان کیفیت انجام این فریضه مهم اجتماعی توسط «دولت نسبت به مردم» و «مردم نسبت به دولت» (در معنای عامی که در بالا بدان اشاره شد) غفلت ورزیده اند. از ناحیه حقوقدانان و سایر اصحاب قلم نیز پژوهش مستقل و منسجمی در این زمینه ارائه نشده است! از اینرو انجام پژوهشی مستقل مبتنی بر آموزه های شرع مقدس اسلام در این زمینه، بی تردید کمک شایانی به قوه مقننه خواهد کرد تا در سریع ترین زمان نسبت به پُر کردن این خلأ قانونی بسیار مهم مبادرت ورزد.

از میان دو سطح مغفول مانده مسؤولیت اجتماعی «نظارت همگانی»، سطح سوم یعنی نظارت همگانی «مردم نسبت به دولت» از اهمیت ویژه ای برخوردار بوده و می توان گفت اهمیت این سطح از نظارت همگانی، مهم تر و حیاتی تر از سطوح اول و دوم است. این اهمیت از دو جهت است: نخست آن که رواج فرهنگ امر به معروف و نهی از منکر توسط مردم نسبت به دولت، ضامن حفظ سلامت نظام اسلامی و مانع زوال آن است و چون حفظ نظام اسلامی در رأس واجبات است (خمینی، ۱۳۷۸: ۳۶۵/۱۵) لذا اهمیت این سطح از نظارت همگانی قابل مقایسه با اهمیت دو سطح دیگر نیست؛ دوم آن که این سطح از نظارت همگانی به لحاظ جنس و کیفیت رابطه آحاد جامعه با حاکمیت و جایگاه ویژه و حساس حاکمیت از ظرافت های بیشتری نسبت به دو سطح دیگر برخوردار است؛ زیرا هنگام اجرای آن علاوه بر الزامات مربوط به سطح نخست

مراحل و کیفیت نظارت مردم بر حاکمیت در قالب امر به معروف و نهی از منکر ————— ۶۱

امر به معروف و نهی از منکر که توسط مردم نسبت به یکدیگر اعمال می‌شود باید به چند نکته دیگر نیز از جمله: بیان مطلب بدون لُکنت، رعایت شأن حاکمیتی مخاطب، رعایت مصالح نظام اسلامی در مقابل دشمنان، لزوم حفظ نظم عمومی جامعه و پرهیز از فضا سازی و تشنج آفرینی، و ... به صورت همزمان توجه داشته باشیم. این نوشتار با همین دغدغه می‌کوشد تا با تبیین مستند و مستدلّ از کیفیت انجام وظیفه «نظارت همگانی» مردم نسبت به دولت (سطح سوّم نظارت همگانی مقرر در قانون اساسی) به قدر وسع گامی در این راستا بردارد.

۲- مراحل و کیفیت نظارت مردم بر حاکمیت در قالب امر به معروف و نهی از منکر

همان طور که می‌دانیم اجرای وظیفه «امر به معروف و نهی از منکر» یک امر ذو مراتب و مبتنی بر قاعده «الایسر فالایسر» است (علامه حلّی، ۱۴۱۳: ۱/۵۲۵؛ شهید اول، ۱۴۱۷: ۲/۴۷؛ شهید اول، بی تا: ۲/۲۰۲؛ فاضل مقداد، ۱۴۰۳: ۲۶۵؛ طباطبائی، ۱۴۱۸: ۲۰۹/۸)؛ یعنی امر به معروف و ناهی از منکر موظّف است به هنگام اجرای این مسؤولیت، مراتبی را رعایت کند که این مراتب در فقه به تفصیل بیان شده است. همان گونه که گفته شد موضوع بحث فقها فقط ناظر به حالتی است که امر به معروف و نهی از منکر توسط مردم نسبت به یکدیگر است ولی هنگامی که مخاطب امر به معروف و نهی از منکر، «حکومت و حاکمانش» هستند کیفیت انجام این وظیفه اجتماعی تفاوت خواهد کرد.

به نظر می‌رسد همان گونه که در امر به معروف و نهی از منکر نسبت به آحاد جامعه، رعایت مراحل چهارگانه واجب است (شهید اول، ۱۴۱۰: ۸۴؛ شهید ثانی، ۱۴۱۰: ۲/۴۱۶؛ علامه حلّی، ۱۴۱۰: ۱/۳۵۳؛ علامه حلّی، ۱۴۱۱: ۹۰) در زمانی هم که مخاطب امر به معروف و نهی از منکر از ارکان حاکمیتی جامعه هستند با استفاده از همان راهبرد عقلایی و اخلاقی «الایسر فالایسر»، رعایت ترتیبی چهار مرحله واجب است اما «محتوا» و «کیفیت اجرای» آن مراحل به گونه‌ای است که در ادامه بدان خواهیم پرداخت:

۲-۱- مرحله نخست: نصیحت و خیر خواهی

در مرحله نخست یکی از مهم ترین و تأثیر گذارترین راهکارهای اجرایی نظارت مردم بر حاکمان با هدف ارزشی اصلاح و تربیت در قالب امر به معروف و نهی از منکر، بهره‌مندی از فضیلت ارزشمند «نصیحت مشفقانه» است؛ چرا که یکی از وظایف عمومی و تکالیف همگانی، قیام برای نصیحت‌گویی و اصلاح عیوب ظاهری و باطنی جامعه و حاکمیت آن است. با توجه به نتایج و ثمرات مشترک نصیحت و خیر خواهی با امر به معروف و نهی از منکر، هر دو فضیلت در فرهنگ سیاسی اجتماعی اسلام سابقه دیرینه و اصیل و ریشه در قرآن و روایات متعدد دارند و از جایگاه و ارزش والایی برخوردار هستند (فاضلی، ۱۳۷۵: ۴۵ و ۴۹) و در قرآن از زبان انبیاء الهی چون حضرت نوح نبی (ع) (اعراف: ۶۲)، حضرت شعیب (ع) (اعراف: ۹۳) و حضرت صالح (ع) (اعراف: ۷۹) به نصیحت و خیر خواهی اشاره مستقیم شده است و در روایات با عبارتی همچون «الدین النصیحه»، جایگاه ارزشمند و حیاتی آن نمایان می‌شود.

امیرالمومنین (ع) در خصوص اهمیت و جایگاه خیر خواهی مردم نسبت به حکومت و حاکمان تا آنجا پیش رفته‌اند که آن را از حقوق مسلم حاکم دانسته‌اند تا وظیفه‌ای برای مردم محسوب شده و قابلیت اسقاط هم نداشته باشد؛ ایشان می‌فرمایند: «أما حق من بر شما آن است که به بیعت خود وفادار باشید و در آشکار و نهان خیر خواه و نصیحتگر من باشید.» و در جایی دیگر با این که خود معصوم و از هر گونه خطا و اشتباه مصون می‌باشند از مردم دعوت می‌کنند نسبت به او از سخن حق دریغ نورزند: «از گفتن سخن حق یا مشورت عادلانه خودداری نکنید، زیرا من شخصاً به عنوان یک انسان خود را فراتر از این که اشتباه کنم نمی‌دانم و از آن در کارهایم ایمن نیستم مگر این که خداوند مرا حفظ کند؛ چرا که مالکیت خداوند بر جان من از خودم بیشتر است» (نهج البلاغه، خطبه ۲۱۶)؛ در همین راستا نبی مکرم (ص) نصیحت را کمال و اساس دین و متعلق به خدا، دین خدا، پیغمبر خدا، کتاب خدا، پیشوایان و رهبران مسلمین و همه مسلمانان می‌داند: «رأس الدین النصیحه لله و لدینه و لرسوله و لکتابه و لائمة المسلمین و للمسلمین

مراحل و کیفیت نظارت مردم بر حاکمیت در قالب امر به معروف و نهی از منکر ————— ۶۳

عامه» (پاینده، ۱۳۸۵: ۳۰۲)؛ «حقّ المسلم علی المسلم ستّ: ... و اذا استنصحک فانصح له ...» (همان)؛ و امام زین العابدین (ع) آن را از حقوق اصلی حاکم برشمرده اند: «فأما حقّ سائسک بالسلطان ... و ان تخلّص له فی النصیحه» (منصوری، ۱۳۹۳: ۴۰)؛ لذا اصل وجود نصیحت و خیرخواهی مورد تأیید عقل و شرع می‌باشد و در خصوص نصیحت و خیرخواهی حاکم از سوی مردم نه تنها جای هیچگونه شکّ و تردیدی وجود ندارد بلکه به عنوان یکی از راهکارهای بسیار مؤثر در جهت نظارت بر دستگاه حاکمیتی و امر به معروف و نهی از منکر حاکمان از سوی مردم تلقی می‌شود. روایات وارده در این زمینه مؤید این ادّعا است: «قال رسول الله (ص): ثلاث لا یغلّ علیهنّ قلب امرء مسلم؛ اخلاص العمل لله، و النصیحه لائمّه المسلمین و اللزوم لجماعتهم» (علامه مجلسی، ۱۴۰۴: ۱۳۲/۷۴؛ کلینی، ۱۴۰۷: ۲/۲۵۸)؛ «الدین النصیحه، قالوا لمن؟ قال لله و لکتابه و لرسوله و لائمّه المسلمین» (پاینده، ۱۳۸۵: ۳۰۲) و در این زمینه امام خمینی (ره) نیز به عنوان حاکم اسلامی می‌گویند: «اگر من هم پایم را کج گذاشتم شما مسؤولید، اگر نگوئید چرا پایت را کج گذاشتی؛ باید هجوم کنید نهی کنید که چرا؟ ... امت باید نهی از منکر کند امر به معروف کند» (خمینی، ۱۳۷۸: ۴۷/۸).

بر همین اساس است که در ادارات مختلف کشور صندوق‌هایی با عنوان «صندوق انتقادات و پیشنهادات» پیش بینی شده است ولی این اقدام ارزشمند در صورتی مفید خواهد بود که مخاطبان امر به معروف و نهی از منکر به نصیحت ناصحان به عنوان سرمایه‌ای گرانسنگ بنگرند و توجه داشته باشند که جامعه به مثابه یک کشتی می‌ماند که هر قدر با ثبات تر حرکت کند نفعش به همه و از جمله مخاطبان نظارت همگانی خواهد رسید و ترتیب اثر دادن به نصایح مشفقانه و منطقی ناظران مردمی، ضامن ثبات حرکت کشتی جامعه خواهد بود.

۲-۲- مرحله دوم: انتقاد و اعتراض

در صورت عدم تأثیر نصیحت و خیرخواهی، مرحله دوم نظارت همگانی مردم بر حاکمان، نقد و اعتراض در خصوص تخلف یا فساد دستگاه حاکم و حاکمان آن است.

اما این که این نقد و اعتراض به چه صورتی انجام شود و از نظر شرعی و قانونی حدود و سیطره آن با حفظ نظم و امنیت عمومی و همچنین اقتدار حاکمیتی به چه صورتی باید باشد، لازم است تبیین علمی و مطلوبی نسبت به آن صورت پذیرد.

اصل وجود نقد و اعتراض به حاکم و دستگاه حاکم در قالب امر به معروف و نهی از منکر مورد تأیید شرع بوده و بهترین دلیل بر آن سیره حکومتی و کلام امیرالمؤمنین (ع) است که در طول دوره کوتاه مدّت حکومت خویش نشان داد که او به دنبال ایجاد نظام عادلانه الهی و حکومت انسانی، حافظ منافع و مصالح انسان ها و ارزش های والای انسانی است و در این مسیر از هر گونه انتقاد، اعتراض و عتاب حتّی نسبت به خویشتن در صورتی که با هدف اصلاح باشد، ترس و پروایی نداشت. او در این خصوص زمانی که برای غائله جمل عازم بصره بود و از مردم جهت سرکوب این گروه منحرف، گردنکش و زیاده خواه مساعدت طلبید جهت پاسخگویی به اذهان عمومی و خنثی نمودن تبلیغات سوء بدخواهان و مقدّس مآبان جاهل در خصوص این شبهه که اسلام حافظ خون مسلمین است و چگونه ممکن و شایسته است که با مسلمانانی که تحت رهبری دو صحابه خاصّ پیامبر (طلحه و زبیر) و یک بانوی خانه اش (عایشه) هستند به پیکار و مبارزه برخاست، حضرت مردم را به تفکّر و اندیشه صحیح دعوت می نماید که در صورت حقّ بودن او یاریش کنند و در صورت ناحقّ بودنش او را مورد عتاب و سرزنش و نقد و اعتراض قرار دهند؛ لذا فرمود: «همانا من از مرکز خلافت بیرون آمده‌ام و روشم از دو حال خارج نیست: یا ستمگرم و یا ستم‌دیده، یا گردنش و طغیانگرم یا آن که بر من گردنکشی و طغیان کرده‌اند. این قضاوت به عهده مردم اندیشمند است؛ در هر صورت، به هر کس نامه من ابلاغ شد من او را به یاد خدا می افکنم تا به سوی من حرکت کند و مرا و هدف مرا از نزدیک ببیند؛ اگر روشم صحیح و بجا بود یاریم کند و اگر رفتارم نادرست و نابجا بود مرا مورد عتاب و سرزنش خود قرار دهد» (نهج البلاغه، نامه ۵۷). در این کلام گهربار، حضرت اعتراض و نقد و سرزنش حاکم را از حقوق مردم دانسته‌اند ولی ایشان در خصوص عتاب و اعتراض نسبت به حاکم، شرایطی از قبیل

تحقیق و تفحص دقیق و درست (از نزدیک روشم را ببینید)، علم به این که روش و سیره صحیح باشد (اگر روشم صحیح بود ... اگر رفتارم نادرست بود ...) را متذکر می شوند که لازم است به عنوان الگویی برای کیفیت اعتراض مردم نسبت به حاکمیت و ارکان آن مدنظر گرفته شود.

نمونه دیگر از سیره حضرت امیر(ع) در این زمینه به عنوان الگویی مناسب جهت فهم کیفیت اجرای مرحله دوم نظارت همگانی و نیز واکنش حاکمان مخاطب این نظارت، مربوط به قضایای پس از جنگ صفین است. جاهلان مقدس مآب خوارج پس از جنگ صفین با شعار فریبنده «لا حکم الا لله» سخنان ناروا و حرف های نیشدار به انتقاد و اعتراضات شدید نسبت به حضرت و رواج اندیشه باطل و تفکر جمودی خود در کوچه و بازار می پرداختند، اما حضرت در قبال این هجمه اعتراض لفظی و نقد توسط آنها حتی در مسجد خود، کوچک ترین تغییری در روش عادلانه و الهی خویش ایجاد نکردند و بلکه در قبال آنها چنین فرمودند: «سه حق مسلم شما نزد ما محفوظ است: ۱. ما شما را هرگز از ادای نماز در مسجد جامع شهر و از شرکت در اجتماعات خود منع نمی کنیم؛ ۲. حقوق شما را از بیت المال تا هنگامی که با ما هستید قطع نمی کنیم؛ ۳. تا شما بر ما شمشیر نکشید و آغاز جنگ نکنید ما هرگز به جنگ با شما اقدام نخواهیم کرد» (نوری همدانی، ۱۳۷۲: ۸۹).

این نمونه تاریخی، حاوی دو الگوی بسیار مهم و کاربردی برای موضوع این پژوهش است: الگوی نخست مربوط به حاکمان مخاطب «نظارت همگانی» است که آحاد مردم در بیان نظرات و انتقاداتشان خطاب به حاکمان باید کاملاً آزاد بوده و بدون کمترین واهمه‌ای هر آن چه مایلند بیان کنند (حق آزادی بیان)، و این امر هرگز نباید منجر به محرومیت آنان از هیچ یک از حقوق اجتماعی آنان توسط حاکمان شود حتی اگر مطالب ناظران از منظر حاکمان، فاقد مبانی و محتوای منطقی باشد در غیر این صورت، قطعاً فرهنگ «نظارت همگانی» به عنوان سرمایه‌ای بی بدیل برای حاکمان جامعه و نظام حاکم از جامعه رخت بر خواهد بست. از همین روست که حضرت در جای دیگری

یکی از ابزارهای حکومت بر مردم را «سعه صدر» معرفی می‌کند.^۱ الگوی دوم هم مربوط به ناظران است؛ زیرا به آنها می‌آموزد که هرچند آزادی بیان، حق مسلم برای آحاد جامعه بوده و حاکمان موظفند به این حق مسلم و مهم به خوبی و در عمل احترام بگذارند لکن، «سوء استفاده» از این حق جایز نبوده^۲ و به ویژه اگر با نظم و امنیت عمومی اصطکاک پیدا کند حق و بلکه وظیفه حاکمان است که با آن برخورد سلبی مؤثر داشته باشند. بر همین اساس است که پس از این که گروه خوارج به عنوان اعتراض و به دلیل حمایت عبدالله بن خباب از حضرت علی (ع) در قضایای حکمیت که گفته بود: «علی به خدا و فرامینش داناتر، در دینش پارساتر و از نظر وقایع و پیش آمدهای اجتماعی و مملکتی بیدارتر و آگاه تر است» او و هسرش را به طرز فجیعی به قتل رساندند، حضرت در اولین رویارویی با آنها خواست تابی درنگ قاتل عبدالله را تسلیم نمایند و فرمود: به خدا قسم، اگر تمام مردم روی زمین اقرار کنند که در ریختن خون عبدالله شریک بوده- ایم و من توانایی انتقام داشته باشم همه آنها را خواهم کشت» (نوری همدانی، ۱۳۷۲: ۱۲۴).

بدین ترتیب، اصل نقد، اعتراض به حاکم و حاکمیت و ارائه طرح نظر و اعتقاد، مورد تأیید و بلکه تأکید شرع مقدس و از مراحل اجرای وظیفه «نظارت همگانی» محسوب می‌شود لکن لازمه آن عبارتست از: قصد اصلاح و خیر، تحقیق و تبیین، استفاده از روش منطقی و متناسب با موضوع، عدم اقدام فراقانونی و خشونت آمیز و خودداری از سلب نظم، آرامش و امنیت عمومی جامعه و به دنبال آن دستگاه حاکمیت نیز در قبال نقد و اعتراض مردم تا آنجا که منتهی به تبعات منفی یاد شده نشود، حق برخوردی سلبی با معترضان را ندارد و لازم است با برخورداری از روحیه پاسخگویی به اعتراضات، در جهت رفع شبهات و اختلافات تلاش نماید (آقابابایی، ۱۳۹۵: ۱۶-۱۸).

۱. «آله الرئاسه سعه الصدر» (نهج البلاغه، حکمت ۱۷۶).

۲. اصل چهلم قانون اساسی: «هیچ کس نمی‌تواند اعمال حق خویش را وسیله اضرار به غیر یا تجاوز به منافع

عمومی قرار دهد.»

۲-۳- مرحله سوم: گزارش‌دهی و افشاگری

در صورت عدم حصول نتیجه از مراحل اول و دوم (نصیحت و اعتراض)، آحاد مردم حق و بلکه وظیفه دارند که دست به گزارش‌دهی و افشاگری علیه عامل یا دستگاه حکومتی موردنظر بزنند. اهمیت این مرحله از جهت تأثیری است که در برهم زدن فضای امن فساد و از بین بردن انگیزه فساد دارد. این اقدام که اخیراً از آن با عنوان «سوت زنی» یاد می‌شود، یکی از مؤثرترین راهکارهای پیشگیری، کشف و حتی مبارزه با انحرافات تلقی می‌شود که با مشارکت همگانی مردم، حاکمیت را برای رسیدن به یک وضعیت مطلوب در ساختار سیاسی و اقتصادی و رسیدن به جامعه‌ای عاری از فساد و کارآمد یاری می‌کند.

رهبر معظم انقلاب به مناسبت ایام شهادت شهید بهشتی و هفته قوه قضائیه (۹۹/۷/۷) در دیدار با مسئولان دستگاه قضا به صورت غیرمستقیم به پدیده «سوت زنی» اشاره کرده و فرمودند که باید از گزارشگران فساد به صورت قانونی حمایت شود. عین کلام ایشان به این شرح است: «باید همچنین برای این موضوع زیرساخت‌های حقوقی در قوه قضائیه فراهم شود تا امنیت مادی و معنوی گزارشگر حفظ شود و امر به معروف و نهی از منکر دلگرم باشد که دستگاه قضائی پشتیبان اوست و در مقابل زمینه تهمت‌زنی نیز فراهم نشود.» کلام رهبر انقلاب به عنوان بالاترین مقام حاکم نظام اسلامی در این زمینه، در واقع یادآور وظیفه‌ای است که اصل هشتم قانون اساسی بر عهده قوه مقننه نهاده و رهبر انقلاب از قوه قضائیه آن را مطالبه نموده است. ایشان با این توصیه ضمن این که سوت‌زنی را مصداق امر به معروف و نهی از منکر معرفی کرده‌اند توجه به ملاحظات شرعی و اخلاقی آن را نیز ضروری اعلام می‌کند؛ یعنی با وجود همه ضرورت‌های پیش گفته در مورد «نظارت همگانی» در قالب امر به معروف و نهی از منکر و نقش کلیدی آن در خیر و صلاح حکومت و حاکمان، خاطر نشان می‌سازد که عرصه افشاگری، بی‌حد و مرز نبوده و به لحاظ بازتاب عمومی بسیار گسترده‌تری که نسبت به دو مرحله

پیشین دارد دارای ظرافت ها و الزامات شرعی و اخلاقی ای است که عدم مراعات آن موارد ممکن است مفسد بزرگ تری را پدید آورد.

تأمل در این زمینه و مراجعه به منابع نقلی نشان می‌دهد که هنگام اجرای مرحله سوم نظارت همگانی رعایت موارد ذیل بایسته است:

الف: حقّ مداری و عدالت محوری و پرهیز از هوای نفس و غرض ورزی

براساس آیات و روایات فراوان، توجه به عدالت، حقّ محوری و پرهیز از هوای نفس و هرگونه غرض ورزی در تمام ابعاد زندگی فردی و اجتماعی مورد تأکید و سفارش قرار گرفته است (اعراف: ۲۹)؛ نساء: ۱۳۵؛ بقره: ۲۸۳؛ نهج البلاغه، خطبه ۱۵، ۲۰، ۲۴، ۴۴، ۸۷، ۱۹۳ و نامه ۱۷، ۴۷، ۵۳، ۵۷ و حکمت ۲۴۱، ۴۲۶، ۴۲۷، ۴۷۶). افشاگری نباید وسیله انتقام گیری و اغراض شخصی قرار گیرد، زیرا نه تنها اصل افشاگری و هدف آن را زیر سؤال می‌برد بلکه با طغیان و افشای خصومت ها موجب ایجاد فتنه می‌شود. امام علی(ع) می‌فرماید: «سبب الفتن الحقد: سبب فتنه ها کینه توزی است» (آمدی، ۱۳۶۶: ۲۹۹)؛ از اینرو، دستگاه های مسؤول باید نسبت به بررسی گزارش های افشاگرانه حساسیت ویژه‌ای داشته باشند که از روی خصومت و غرض ورزی ارائه نشده باشند.

ب: مستند و مستدلّ بودن

اخبار و گزارش ها باید مستدلّ و مستند باشد. علی(ع) در خصوص مستند، مستدلّ و موثّق بودن خبر و گزارش می‌فرماید: «أما أنه ليس بين الحقّ و الباطل إلا أربع أصابع؛ الباطل أن تقول سمعت و الحقّ أن تقول رأيت» (نهج البلاغه، خطبه ۱۴۱). ایشان در مواضع متعدّدی با تعابیر متفاوت به این توصیه اخلاقی تأکید می‌ورزد: «و لا تقل ما لا تعلم و إن قلّ ما تعلم» (نهج البلاغه، نامه ۳۱)؛ «لا تخبرنّ ألاً عن ثقة فتكون كذاباً» (آمدی، ۱۳۶۶: ۴۷۸)؛ «لا تقل ما لا تعلم فتنهمّ باخبارك بما تعلم» (همان، ۲۰۲)؛ «و لا تحدّث الناس بكلّ ما سمعت به فكفى بذلك كذباً» (علامه مجلسی، ۱۴۰۴: ۱۶۰/۲)؛ «إذا حدّثتم بحديث فاسندوه الى الذی حدّثکم فإن كان حقّاً فله و إن كان كذباً فعليه» (کلینی، ۱۴۰۷: ۴۲/۱).

ج: دقیق بودن

گزارشگری باید دقیق باشد و دقت در افشاگری بر سرعت آن ترجیح داده شود. مراد از دقت نیز علاوه بر خود خبر یا اعتقاد به وقوع انحراف در یک دستگاه حکومتی یا توسط احدی از حاکمان، شامل دقت در عمل افشاگری نیز می‌شود. در خصوص دقت در اصل خبر یا اعتقاد، در قرآن کریم آمده است: «فبشّر عباد الذین یستمعون القول فیتبعون أحسنه» (زمر: ۱۸) و قدرت انتخاب قول احسن هنگامی حاصل می‌شود که شخص آگاهی نسبتاً مناسبی پیرامون ابعاد مختلف موضوع داشته باشد و گرنه ممکن است موضعی که در قبال موضوعی گرفته می‌شود موضع حقیقی نبوده و بالتبع، اقدام به افشاگری در خصوص آن نیز نه تنها مفید نباشد بلکه زیانبار نیز باشد. امیرالمؤمنین (ع) در این خصوص می‌فرماید: «الناس أعداء ما جهلوا» (نهج البلاغه، حکمت ۴۳۸)؛ یعنی چه بسا تصور اشخاص مبنی بر وقوع انحراف و لزوم افشاگری درباره آن، معلول عدم آگاهی لازم پیرامون موضوع مورد بحث باشد. براین اساس، در اقدام به افشاگری باید از هرگونه شتابزدگی پرهیز نمود؛ به ویژه که گاهی افشاگری‌ها منجر به ریخته شدن آبروی افراد، تشویش اذهان عمومی،^۲ برهم خوردن نظم عمومی و ایجاد فساد و اختلال در جامعه^۳ و می‌شود و بدین ترتیب، نقض غرض رخ می‌دهد.

د: مؤدبانانه و به دور از هرگونه توهین

نظارتگری از طریق بیان گزارش و سوت‌زنی بایستی نیکو و مؤدبانانه باشد. قرآن کریم در آیات متعددی به رعایت اخلاق در گفتار به طور کلی سفارش‌های فراوانی دارد که با عمومشان شامل افشاگری و گزارش‌دهی انحرافات حاکمان نیز می‌شود. برخی از این

۱. روزی حضرت رسول (ص) به کعبه نگاه کردند و فرمودند: «ای کعبه! خوشا به حال تو، خداوند چقدر تو را بزرگ و حرمتت را گرامی داشته است! به خدا قسم حرمت مؤمن از تو بیشتر است، زیرا خداوند تنها یک چیز را از تو حرام کرده، ولی از مؤمن سه چیز راحرام کرده است: مال، جان و آبرو تا کسی به او گمان بد نبرد» (فتال نیشابوری، ۱۳۷۵: ۲/۲۹۳).

۲. ماده ۶۹۸ قانون مجازات اسلامی.

۳. بقره: ۶۰ و ۲۰۵؛ مائده: ۶۴/ اعراف: ۷۴؛ قصص: ۷۷ و ۸۳.

آیات عبارتند از: «و قولوا للناس حسناً» (بقره: ۸۳)؛ «قل لعبادی یقولوا الّتی هی أحسن...» (اسراء: ۵۳)؛ «یا ایها الذّین آمنوا لایسخر قوّم من قوّم عسی أن یكونوا خیراً منهم ولا نساء من نساء عسی أن ینکن خیراً منهنّ ولا تلمزوا أنفسکم ولا تتابزوا بالألقاب» (حجرات: ۱۱). امام علی (ع) نیز در همین راستا و نهی از بیان کلام همراه با ادبیات خلاف اخلاق می فرماید: «ایاک و مستهجن الکلام فانه یوغر القلب: پرهیز از سخن زشت، که دل ها را کینه ور می سازد» (آمدی، ۱۳۹۰: ۲۱۴).

ه: برخورد شجاعانه و مصلحت اندیشی منطقی

در امر خبر رسانی جهت پیشگری و مبارزه با فساد، گزارشگر بایستی شجاعانه برخورد کند و در برابر حق گویی و دفاع از عدالت و راستی، هیچ خوف و هراسی را به خود راه نداده و فقط رضایت حقّ تعالی را در نظر داشته باشد. قرآن کریم در این زمینه می فرماید: «الذّین ینبغون رسالات اللّهِ و یخشونه و لایخشون احداً الا اللّهُ و کفی باللّهِ حسیباً» (احزاب: ۳۹). امام علی (ع) نیز در این زمینه فرموده اند: «أخسر الناس من قدر علی أن یقول الحقّ و لم یقل» (آمدی، ۱۳۶۶: ۷۰). با وجود این، رعایت مصلحت زمانی و مکانی در افشای انحرافات حاکمان، باید مدنظر ناظر آمر به معروف و ناهی از منکر باشد و در این اقدام، خردمندانه عمل نماید؛ تا آنجا که قرآن کریم افرادی را که بدون بررسی و مصلحت سنجی خبری را منتشر می کنند مورد سرزنش قرار می دهد: «و اذا جائهم أمر من الأمن أو الخوف أذاعوا به...» (نساء: ۸۳). امام علی (ع) نیز می فرماید: «لا تتکلّم اذا لم تجد للكلام موقعا: هرگاه برای سخن، جایی (تأثیری) نیافتی، هرگز سخن مگو» (آمدی، ۱۳۶۶: ۲۱۲)؛ گاهی مطلب موردنظر از اسراری است که بیان علنی آن به مصلحت جامعه نبوده و باید پوشانده نگاهداشته شود؛ چرا که ممکن است موجب تحمیل هزینه های جبران ناپذیر برای جامعه مسلمین شود؛ لذا ابراز آن جهل، خطا و خیانت است. امام علی (ع) ذیل بحث از وظایف و حقوق پیشوا و مردم، در تأیید و تأکید بر این نکته می فرماید: «لا تتکلّم بکلّ ما تعلم فکفی بذلک جهلاً: سخن مکن به هر چه می دانی؛ پس کافی است این به حسب جهل و نادانی» (همان)؛ «ألا و إن لکم عندی ألاّ احتجّز

مراحل و کیفیت نظارت مردم بر حاکمیت در قالب امر به معروف و نهی از منکر ————— ۷۱

دُونَكُمْ سِرّاً إِلَّا فِي حَرْبٍ بدانید، حَقِّی که شما بر عهده من دارید این است که چیزی را از شما مخفی ندارم، جز اسرار جنگ را» (نهج البلاغه، نامه ۵۰). امام صادق (ع) نیز در همین راستا می‌فرماید: «افشاء السّر سقوط» (مجلسی، ۱۴۰۴: ۲۲۹/۷۸)

و: امانتداری

گزارشگران موظفند در گزارش‌ها و افشاگری‌هایی که انجام می‌دهند امانت را رعایت کنند. الزام اخلاقی و شرعی به این امانتداری از دو جهت مورد تأکید است: نخست در زمینه اطلاعاتی است که بدان دست یافته‌اند؛ یعنی مراقبت کنند که در آنها تحریفی رخ ندهد تا مبدا مرتکب «بهتان» و «شایعه پراکنی» شوند. قرآن کریم در تفسیح این رفتار ناشایست آیات متعددی دارد. به عنوان نمونه در آیه ۱۱۲ سوره نساء می‌فرماید: «وَمَنْ يَكْسِبْ خَطِيئَةً أَوْ إِثْمًا ثُمَّ يَرْمِ بِهِ بَرِيئًا فَقَدِ احْتَمَلَ بُهْتَانًا وَإِثْمًا مُّبِينًا»؛ همچنین در آیه ۵۸ سوره احزاب نیز می‌فرماید: «وَالَّذِينَ يُؤْذُونَ الْمُؤْمِنِينَ وَالْمُؤْمِنَاتِ بَغَيْرِ مَا كَتَبْنَا فَقَدِ احْتَمَلُوا بُهْتَانًا وَإِثْمًا مُّبِينًا». رسول خدا(ص) نیز فرموده‌اند: «من بهت مؤمناً أو مؤمنة أو قال فيه ما ليس فيه اقامه الله تعالى يوم القيامة على تلّ من نار حتى يخرج ممّا قاله فيه: هر کس به مرد یا زن مؤمنی بهتان زند یا درباره او چیزی بگوید که از آن مبراست خداوند در روز رستاخیز وی را بر تلی از آتش نگه می‌دارد تا این که از آن چه درباره او گفته است خارج شود [و آن را اثبات کند]» (علامه مجلسی، ۱۴۰۴: ۱۹۴/۷۵). دوم این که آن اطلاعات را فقط در اختیار اهلس قرار دهند؛ یعنی فقط به مراجعی گزارش و اطلاعات خود را ارائه دهند که امکان قانونی و عرفی برای ورود در موضوع و پیشگیری یا اصلاح انحراف آن حاکمان یا دستگاه‌های حکومتی را دارند؛ زیرا فرض بر این است که هدف از افشاگری و گزارش دهی آن است که از وقوع انحراف، پیشگیری یا در صورت وقوع، اصلاح شود و این امر فقط در صورتی محقق می‌شود که مرجع دریافت این گزارش‌ها صلاحیت و امکان اقدام درباره آن موضوع را داشته باشد. قرآن کریم در این خصوص می‌فرماید: «انّ الله يأمرکم أن تؤدّوا الأمانات إلى أهلها» (نساء: ۵۸)؛ «وَالَّذِينَ هُمْ لِأَمَانَاتِهِمْ وَعَهْدِهِمْ رَاعُونَ» (مؤمنون: ۸). امام علی (ع)

نیز در همین راستا فرموده اند: «تعاهدوا أمر الصلاه ... ثم اداء الامانه فقد خاب من ليس من اهلها ...» (نهج البلاغه، خطبه ۱۹۹)؛ همچنین، در جایی دیگر می فرماید: «خدا را خدا را، مبادا شکایت نزد کسی ببرید که نمی تواند آن را برطرف نماید و توان گره گشایی از کارتان را ندارد» (نهج البلاغه، خطبه ۱۰۵). آری، اگر برای رسیدن به هدف مربوط به «نظارت همگانی» جز با انتشار عمومی گزارش، قابل تحقق نباشد جواز این امر مخدوش نخواهد بود.

ز: خودداری از فضاسازی های بی مورد

از جمله مواردی که در انجام افشاگری درباره انحراف حاکمان باید مورد توجه قرار گیرد خودداری از فضاسازی های بی مورد است، زیرا حفظ آرامش و نظم عمومی از خطوط قرمزی است که عقل و نقل بر آن تأکید جدی دارد و فضاسازی های بی مورد برای آن قطعاً زیان آور خواهد بود.

۲-۴- مرحله چهارم: برخورد قهری از مجاری قانونی و پرهیز اخلال در نظم و امنیت عمومی

آخرین مرحله از مراحل مربوط به اجرای وظیفه «نظارت همگانی» عبارتست از برخورد قهری از مجاری قانونی. چنان چه هیچ یک از مراحل پیش گفته برای پیشگیری از انحراف حاکم یا اصلاح انحراف وی مؤثر نیفتد، ناگزیر باید از طریق توسل به اقدامات قهری، مانع وقوع یا ادامه انحراف حاکم شد، ولی نکته بسیار مهم در اینباره آن است که برای چنین اقدامی حتماً لازم است از مجاری قانونی استفاده شود. هیچ کس حق ندارد حتی با نیت خیر و با هدف امر به معروف و نهی از منکر، بدون داشتن اختیارات قانونی، علیه حاکمان جامعه برخورد قهری انجام دهد؛ زیرا در غیر این صورت، منجر به هرج و مرج در جامعه و اختلال در «نظم عمومی» خواهد شد. در این راستا قانون اساسی نیز در اصول ۸۹، ۱۱۱ و ۱۷۳ موضوع امکان نظارت بر ارکان مختلف حکومت را در قالب اقدام قهری (شکایت از آنها) پیش بینی کرده است؛ در نتیجه، هیچگونه اقدام قهری علیه حکومت اسلامی و حاکمان آن از قبیل: اغتشاش، شورش،

کودتا، و ... دارای مجوز شرعی یا قانونی نبوده و خود از اقدامات قابل برخورد حتی در شکل قهری خواهد بود^۱ (آقابابایی، ۱۳۹۵: ۳۰). این مسأله در قرآن ذیل عنوان کلی «فساد در زمین» مورد نکوهش قرار گرفته است (بقره: ۶۰ و ۲۰۵؛ مائده: ۶۴؛ اعراف: ۷۴؛ قصص: ۷۷ و ۸۳).

امام علی (ع) در خطبه‌ای که در سال ۳۶ هجری پس از شورش مردم علیه عثمان و قتل او ایراد فرمودند از عملکرد گروه‌های پراکنده و خودسری آنها اظهار شگفتی نموده و با عباراتی کوبنده آنها را مورد مذمت قرار می‌دهند (نهج البلاغه، خطبه ۸۸). ایشان در مذمت اصحاب جمل و ناکثین خطبه‌ای ایراد فرموده و در آن بر ضرورت اطاعت از رهبری جامعه اسلامی و حفظ وحدت اسلامی تأکید ویژه‌ای دارند (نهج البلاغه، خطبه ۱۶۹). در فقه نیز لزوم حفظ «نظم عمومی» جامعه و پرهیز از اختلال در آن، مبنای احکام فراوانی همچون: وجوب قضاء (نجفی، ۱۴۰۳: ۱۰/۴۰؛ علامه حلی، ۱۴۱۳: ۶/۱۵)، اجرای حدود و حدّ قطع ید سارق (ابن ادریس حلی، ۱۴۱۰: ۲۴/۲؛ نجفی، ۱۴۰۳: ۴۸۹/۴۱)، قاعده ید (شهید ثانی، ۱۴۱۳: ۳۲۶/۴)، وجوب پرداختن به انواع مشاغل مورد نیاز جامعه که به «واجبات نظامیه» معروفند (نائینی، ۱۴۱۳: ۴۲/۱ و ۴۳) و ... قرار گرفته است که نشان‌دهنده میزان بالای اهتمام شرع و نیز عقلاء به لزوم صیانت از «نظم عمومی» جامعه بوده و اساساً یکی از مبانی وجوب امر به معروف و نهی از منکر نیز همین صیانت از «نظم عمومی» جامعه است؛ چه این که در صورت عدم پیشگیری یا اصلاح انحرافات حاکمان جامعه، «نظم عمومی» در ابعاد مختلف آن (نظم عمومی اقتصادی، نظم عمومی سیاسی، نظم عمومی اجتماعی، و ...) آسیب خواهد دید و همین امر، لزوم مشارکت همه اعضای جامعه در مسأله «نظارت همگانی» را عقلاً توجیه می‌کند.

۱. قانون مجازات اسلامی نیز در مواد ۲۸۶ تا ۲۸۸ با الهام از منابع شرعی اینگونه اقدامات را مجرمانه تلقی و برای آنها ذیل عنوان «بغی و افساد فی الارض» بسته به شدت تأثیری که در نظم عمومی جامعه ایجاد کرده باشد مجازات‌های سنگین حدی (اعدام) و تعزیری (حبس) پیش‌بینی کرده است.

بر این اساس، کیفیت اجرای مرحله چهارم «نظارت همگانی» هرگز نباید به گونه‌ای باشد که نقض غرض شده و مبنای خود را در معرض آسیب قرار دهد.

نتیجه‌گیری

از مجموع مطالب مطرح شده به نتایج ذیل می‌توان اشاره کرد:

۱- برای اجرای وظیفه «نظارت همگانی» در قالب امر به معروف و نهی از منکر در اصل هشتم قانون اساسی، سه سطح در نظر گرفته شده است: امر به معروف مردم توسط مردم، امر به معروف مردم توسط دولت، امر به معروف دولت توسط مردم؛ که البته قانون اساسی، تعیین سازوکار و مراحل اجرایی سطوح سه‌گانه امر به معروف و نهی از منکر را بر عهده قوه مقننه قرار داده است.

۲- سطح سوم امر به معروف و نهی از منکر به دلایل متعددی نسبت به دو سطح دیگر از اهمیت و حساسیت ویژه‌ای برخوردار است و فقها از میان سه سطح بالا، فقط مراحل اجرایی سطح نخست را مورد عنایت قرار داده و از کیفیت مراحل اجرایی دو سطح دیگر سخن نرانده‌اند.

۳- همان‌طور که فقها در راستای اجرای سطح نخست امر به معروف و نهی از منکر با استناد به قاعده «الایسر فالایسر» رعایت چهار مرحله را به ترتیب اولویت لازم دانسته‌اند، در راستای اجرایی کردن سطح سوم این فریضه اجتماعی نیز رعایت چهار مرحله ضروری است ولی کیفیت و محتوای آن چهار مرحله در این سطح از امر به معروف و نهی از منکر به شرح و ترتیب ذیل است: ۱- نصیحت و خیرخواهی؛ ۲- انتقاد و اعتراض؛ ۳- گزارش دهی و افشاگری؛ ۴- برخورد قهری از مجاری قانونی و پرهیز از اختلال در نظم و امنیت عمومی.

منابع

- قرآن کریم.

- نهج البلاغه (۱۳۸۷)، ترجمه محمد دشتی، چ ۱۰، مشهد: آستان قدس رضوی.

مراحل و کیفیت نظارت مردم بر حاکمیت در قالب امر به معروف و نهی از منکر ————— ۷۵

- آقابابایی، حسین (۱۳۹۵)، **دکترین مقابله با «بغی» در اسلام و نحوه انعکاس آن در قانون مجازات اسلامی ۱۳۷۰ و ۱۳۹۰**، مطالعات فقه و حقوق اسلامی، ۱۵، ۹-۳۶.

- ابن ادریس حلی، محمد بن منصور (۱۴۱۰ق)، **السرائر الحاوی لتحریر الفتاوی**، ج ۲، چ ۲، قم: مؤسسه النشر الاسلامی.

- پاینده، ابوالقاسم (۱۳۸۵)، **نهج الفصاحه**، ج ۴، تصحیح و تدوین: عبدالرضا پیمانی، اصفهان: خاتم الانبیاء.

- تمیمی آمدی، عبدالواحد بن محمد (۱۳۶۶)، **غرر الحکم و درر الکلم**، ج ۶، قم: دفتر تبلیغات اسلامی.

- جبعی عاملی (شهید ثانی)، زین الدین بن علی (۱۴۱۰ق)، **الروضة البهیة فی شرح اللمعة - الدمشقیه**، ج ۲، قم: داوری.

- جبعی عاملی (شهید ثانی)، زین الدین بن علی (۱۴۱۳ق)، **مسالك الأفهام إلى تنقیح شرائع الإسلام**، ج ۴، قم: مؤسسه المعارف الإسلامیه.

- حرّ عاملی، محمد بن حسن (۱۴۰۹ق)، **تفصیل وسائل الشیعه الی تحصیل مسائل الشریعه**، ج ۱۶، قم: آل البیت (ع).

- حلی (علامه)، حسن بن یوسف (۱۴۱۰ق)، **ارشاد الاذهان الی احکام الایمان**، ج ۲، قم: مؤسسه النشر الاسلامی.

- حلی (علامه)، حسن بن یوسف (۱۴۱۱ق)، **تبصره المتعلمین فی احکام الدین**، تهران: وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی.

- حلی (علامه)، حسن بن یوسف (۱۴۱۳ق)، **قواعد الاحکام فی معرفه الحلال و الحرام**، ج ۱۵، قم: مؤسسه النشر الاسلامی.

- خمینی (امام)، سید روح الله (۱۳۷۸)، **صحیفه نور**، ج ۱۵، چ ۲، تهران: مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی (ره).

- خمینی (امام)، سید روح الله (بی تا)، **تحریر الوسیله**، ج ۱، قم: دار العلم.

- سیوری حلی (فاضل مقداد)، مقداد بن عبدالله (۱۴۰۳ق)، **نضد القواعد الفقهیه علی مذهب الامامیه**، قم: کتابخانه آیه الله العظمی مرعشی نجفی (ره).

- طباطبائی (صاحب ریاض)، سید علی (۱۴۱۸ق)، **ریاض المسائل فی تحقیق الاحکام بالدلائل**، ج ۸، قم: آل البیت (ع).

- عاملی (شهید اول)، محمد بن مکی (۱۴۱۰ق)، **اللمعه الدمشقیه فی فقه الامامیه**، ج ۲، بیروت: دار التراث الدار الاسلامیه.
- عاملی (شهید اول)، محمد بن مکی (۱۴۱۷ق)، **الدروس الشرعیه فی فقه الامامیه**، ج ۲، ج ۲، قم: مؤسسه النشر الاسلامی.
- عاملی (شهید اول)، محمد بن مکی (بی تا)، **التواعد و الفوائد**، ج ۲، قم: مفید.
- فاضلی، رحمت الله (۱۳۸۸)، **نصیحت از دیدگاه اسلام**، تهران: سازمان تبلیغات اسلامی.
- فتاحی، سید محسن (۱۳۹۲)، **دامنه اختیارات حکومت در جعل قانون از منظر فقه**، مطالعات فقه و حقوق اسلامی، ۹، ۸۷-۱۰۸.
- فتال نیشابوری، محمد بن حسن (۱۳۷۵)، **روضه الواعظین و بصیره المتعظین**، ج ۲، ج ۲، قم: رضی.
- کلینی، محمد بن یعقوب (۱۳۶۵)، **الکافی**، ج ۱، ۲ و ۵، تهران: دار الکتب الإسلامیه.
- مجلسی (علامه)، محمدباقر (۱۴۰۴ق)، **بحار الأنوار الجامعه لدرر أخبار الأئمه الأطهار**، ج ۲، ۷۴، ۷۵ و ۷۸، بیروت: الوفاء.
- منصوری لاریجانی، اسماعیل (۱۳۹۳)، **رساله حقوق**، تهران: بین الملل.
- نائینی (میرزا)، محمدحسین (۱۴۱۳ق)، **منیه الطالب فی حاشیه المکاسب**، ج ۱، قم: مؤسسه النشر الاسلامی.
- نجفی (صاحب جواهر)، محمدحسن (۱۴۰۳ق)، **جواهر الکلام فی شرح شرائع الاسلام**، ج ۴۰ و ۴۱، ج ۷، بیروت: دار احیاء التراث العربی.
- نوری همدانی، حسین (۱۳۷۲)، **خوارج از دیدگاه نهج البلاغه**، ج ۴، قم: مؤسسه النشر الاسلامی.